

بررسی مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب با رویکرد زبان‌شناختی بینامتنیت

نورالدین پروین*

مهدی شوشتری**

چکیده

درهم تنیدگی متون، حاصل رویکرد زبان‌شناختی به ادبیات و نقد متن محور است. در این زمینه، رهبر فرزانه جهان اسلام به اشکال گوناگون، تحت تأثیر قرآن کریم قرار گرفته است. این تأثیرپذیری، گاه از مضمون و محتوا و گاه در الفاظ و فنون بیانی قرآن، صورت پذیرفته است. مقام معظم رهبری در حالی که انقلاب کبیر اسلامی ایران، چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشته و قدم به دهه پنجم حیات نهاد، در روز ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، با صدور بیانیه گام دوم انقلاب ضمن تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته، به توصیه‌های راهبردی در زمینه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی در راستای تحقق ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی «ارواحانه فدا» با سبک و مضمون‌های قرآنی پرداخته‌اند. براین اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی شیوه‌های اثرپذیری بیانیه گام دوم انقلاب از قرآن کریم می‌پردازد. از مهم‌ترین نتایج حاصل از این کاربست، نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری، با نگرشی عارفانه و با بهره‌گیری از

* استادیار زبان و ادبیات عرب مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (نویسنده مسئول: norudin.parvin@yahoo.com)

** استادیار فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (sh-mehdi@yahoo.com)

مضامین قرآنی، چشم‌انداز روشن انقلاب اسلامی ایران و جهان را در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب به‌خوبی ترسیم کرده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، بینامتنیت، بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری.

مقدمه

قرآن کریم، بزرگ‌ترین معجزه پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ است و بر صدق نبوت حضرتش دلیلی روشن. این کتاب مقدس، مجموعه‌ای است بس گران‌قدر از آیات و دلایل روشن، اخبار و مواظ راستین، احکام و قوانین استوار و آداب و سنن ارزشمند که با برخورداری از فصاحت و بلاغتی اعجاب‌آور، رهگشای نیازمندی‌های فردی و اجتماعی نوع انسان است. با تأمل در تعالیم ارزنده قرآن، بدین حقیقت می‌توان پی برد که این کتاب مبین، موسوعه جامعی از معارف حیات‌بخش و رهگشا، حقایق نورانی شگرف و جان‌فزا، قوانین فردی و اجتماعی، احکام عبادی سیاسی، مقررات مدنی، مسائل قضایی و اقتصادی، فضائل اخلاقی، مواظ و نصایح، مبدأ و معاد، وعد و وعید، خلق و ایحاد، بعث و نشور، اخبار غیبی، قصص انبیا، سرگذشت ملت‌ها، احوال کائنات و اسرار جهان هستی، به انضمام شیوایی بیان، قدرت استدلال، لطافت تعبیر، کمال تأثیر را در نفوس و نیز ویژگی‌های برجسته و جاذبه‌دار دیگری که از هستی آفرینی نشئت گرفته و بر اساس فطرت و عقل سلیم استوار گشته است. آیات قرآن کریم در تکوین و تطور باورهای متفکران مسلمان اعم از متکلمان، فیلسوفان و عارفان، ادیبان و شاعران تأثیرگذار بوده است. با توجه به این‌که هیچ متنی «عاری و منفصل از دیگر متون وجود ندارد؛ بلکه متون همواره در ارتباط و گفتگو با یکدیگر می‌باشند؛ هرچند خود بدان اشاره‌ای نداشته باشند» (کیانی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶). این تأثیرپذیری، به‌عنوان بینامتنیت شناخته شده است که به دو صورت خارجی یا داخلی صورت می‌گیرد. خارجی، عبارت است از این‌که شاعر، لفظ قرآن را به‌طور مستقیم در متن به کار گیرد و داخلی یعنی شاعر، مضامین قرآنی را در اشعارش بگنجانند. از آنجایی که قرآن از مهم‌ترین متونی است که امامان معصوم علیهم‌السلام و ادبای اسلامی از همان بدو تولد با آن انس گرفته‌اند، پس بر سبک نویسندگی‌شان به‌طور مستقیم تأثیر می‌گذارد. از آنجایی که سبک نویسندگی هر نویسنده‌ای با دیگری متفاوت است، پس می‌توان از لابه‌لای شیوه نوشتاری نویسنده، به شخصیت و مضامین

که بر افکار او مسلط است، پی برد؛ بنابراین، این جستار، بر آن است با نگاهی علمی و نقادانه به بررسی بیانیه گام دوم انقلاب بپردازد تا به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. محور اصلی مضمون‌های قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟

۲. غالبیت وام‌گیری‌های امام خامنه‌ای به چه صورت است؟

پیشینه پژوهش

بر اساس اطلاعات موجود، تاکنون، پژوهشی مستقل و اختصاصی، درباره تأثیرپذیری بیانیه گام دوم انقلاب از قرآن کریم صورت نگرفته است. از مهم‌ترین پژوهش‌های که در این زمینه انجام شده است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. سید محمود مرویان حسینی در مقاله با عنوان «نگاهی به کلیدواژه‌های مهم در بیانیه

گام دوم انقلاب» به بررسی بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازد.

شایان ذکر است، نویسندگان در ارتباط با بیانیه گام دوم انقلاب، بیشتر پایگاه‌های معتبر علمی را بررسی کرده؛ اما پژوهشی در زمینه بینامتنیت در بیانیه گام دوم انقلاب یافت نشد. از آنجایی که پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر قرآن کریم به بررسی بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازد، کاملاً نو و بدیع است.

۱. چارچوب نظری پژوهش

۱. ۲. بینامتنی (=تناس) و انواع آن

موضوع «بینامتنیت یا تناس» از نظریات جدیدی است که در حوزه زبان‌شناسی و نقد ادبی مطرح شده است. این اصطلاح، ترجمه اصطلاح فرانسوی «intertext»، مرکب از دو واژه «inter» به معنای «تبادل» و «text» به معنای «متن» است؛ بنابراین، معنای لغوی این اصطلاح، «تبادل متنی» است (ناهم: ۱۳). «باختین» در تعریف «بینامتنیت» می‌گوید: «بینامتنیت، بررسی و اطلاع از حقیقت تأثیر و تأثر میان متون در تعامل با متون پیش از خود است» (بتیس، ۱۹۹۷: ۱۸۳).

نظریه پردازانِ امروزی، متن‌ها را خواه ادبی و خواه غیرادبی، فاقد هر نوع معنای مستقل می‌دانند. آنان معتقدند که این متن‌ها در شبکه‌ای از روابط فرو می‌غلطند که کشف کردن یک متن و کشف معنا یا معانی آن، در گرو ردیابی کردن روابط بینامتنی است (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱).

مهم‌ترین هدفی که «بینامتنیت» در پی آن است، کشف نشانه‌ها و آثار مثبت متون دیگر بر یک متن است؛ چراکه «بینامتنیت» مطالعه و بررسی روابط موجود میان متن حاضر و متون دیگر است؛ به طوری که خواننده را در درک عمیق‌تر و فهم بهتر یک متن یاری می‌رساند (میرزایی، ۱۳۸۸: ۴۶۴-۴۶۵). بینامتنیت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های زبانی، نقش اساسی در ادب دارد و این امر چیزی است که خواه‌وناخواه در یک اثر ادبی دیده می‌شود؛ زیرا امکان ندارد که پدیده تأثیر و تأثر و نقش اساسی آن در تحلیل متن را انکار کرد؛ بنابراین، بینامتنیت نقش اساسی در تبادل افکار و اطلاعات و روند گفتگوی تمدن‌ها و زمینه‌های مختلف فکری و ادبی و دینی و هنری دارد که انواع مختلفی مانند دینی و اسطوره‌ای و ملی که بر قوانین «اجترار» و «امتصاص» و «حوار» استوار است (نجفی ایوکی و فاطمه یگانه، ۱۳۹۰: ۷). به‌طور کلی، مهم‌ترین محورهای بینامتنی در رابطه با قرآن کریم عبارت است از:

۱.۲.۱. نفی جزئی یا اجترار

«در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر، ادامه همان متن غایب است و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد» (عزام، ۲۰۰۵: ۱۱۶) از این‌رو، متن برگرفته از متن غایب، می‌تواند یک جمله و یا یک عبارت و یا یک کلمه باشد و واضح است که این روابط، شکل سطحی و آسانی از روابط بینامتنی به شمار می‌رود.

۱.۲.۲. نفی متوازی یا امتصاص

بدین‌صورت که ارتباط بسیار تنگاتنگی بین متن غایب (= قرآن) و متن حاضر به وجود آید و بینامتنی در غالب موارد، آگاهانه و با کمترین تغییر در معانی و الفاظ انجام می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، در نفی متوازی، شاعر یک عبارت قرآنی را با همان ساختار، بدون هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی، یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن یا قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می‌دهد (زعبی، ۱۹۸۹: ۵۶).

در واقع، «در نفی متوازی یا امتصاص، شاعر نوعی سازش میان متن پنهان و حاضر ایجاد می‌کند و از معنای متن پنهان دفاع می‌کند» (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۶).

۱.۲.۳. نفی کلی یا حوار

این نوع از روابط، بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی عمیق و آگاهانه نیاز دارد که متن پنهان را به‌زیرکی درک کند؛ زیرا شاعر یا نویسنده در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به‌گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد و معمولاً این امر، ناخودآگاه روی می‌دهد (وعد الله، ۲۰۰۵: ۳۷).

شاعر یا نویسنده، مقطعی از متن غایب را در متن خود می‌آورد؛ درحالی‌که معنای متن تغییر یافته است؛ زیرا هیچ نوع سازشی میان متن پنهان و حاضر وجود ندارد. به همین دلیل، عالی‌ترین نوع بینامتنی به حساب می‌آید (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۷).

امام خامنه‌ای در بیانیه، از همه انواع بینامتنیت بهره گرفته‌اند که در این جستار، بالاترین سطح تأثیرپذیری را در بیانیه گام دوم انقلاب بررسی می‌کنیم. لازم به ذکر است که وام‌گیری امام خامنه‌ای در بیانیه از قرآن کریم، بیش از شواهدی است که در این مقاله مختصر آمده است. همچنین گاه برای یک واژه یا مضمون، بیش از یک شاهد از قرآن یافته‌ایم که بنا به‌ضرورت، برای هر کدام به یک یا دو شاهد اکتفا کرده‌ایم.

۲. تحلیل مواد بحث

۱.۲.۱. بررسی مضامین قرآنی در بیانیه گام دوم انقلاب

همان‌طوری که ذکر شد، پژوهش حاضر نوع سوم بینامتنیت (حوار، حل یا تحلیل) را که بالاترین درجه آن است، بررسی می‌کنیم. در اصطلاح ادبا، حل یا تحلیل عبارت است از تغییر بافت و یا ساختار لفظی آیات، جهت درج در اشعار خویش به‌واسطه اقتضائات ساختاری سخن است (ر.ک: تفتازانی، بی تا: ۳۱۱؛ حلبی، ۱۳۷۴: ۵۳) که اصطلاحاً به این عمل، «مسخ» و «اِغاره» یا «اقتباس» متغیر نیز گفته می‌شود (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹؛ کیانی و همکاران: ۱۳۹۲: ۱۵۷). در اینجا حوار یا نفی کلی را در بیانیه گام دوم انقلاب بررسی می‌کنیم:

۱.۱.۱. انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و

تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این مَلّت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود.

مقام معظم رهبری در ارتباط با ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی با تکیه بر آیه مبارکه بیان می‌نماید:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم! (احقاف: ۱۵).

چهل‌سالگی، سنّ رشد و بلوغ فکری است، سنّ شکرگزاری از گذشته و برنامه‌ریزی برای نعمت‌های موجود و نسل آینده و انجام کارهای صالح است، سنّ برنامه‌ریزی برای اصلاح ذریه است. ابتدای آیه، خداوند انسان را مورد خطاب قرار داده و به او وصیت می‌کند. این‌که خداوند وصیت کند، نشان از اهمیت موضوع دارد، وصیت احسان به پدر و مادر است و دلیل آن را هم در ادامه بیان می‌کند که تلاش‌های پدر و مادر و کودکی و نوجوانی و خامی تا چهل‌سالگی باید تمام شود؛ زیرا چهل‌سالگی شروع دوران جدید است، دوران رشد و شدت و قوت است. اینجا نشانه‌های بلوغ را از زبان انسان بیان می‌کند که خدایا (اوزعنی) «أَوْزِعْنِي» از ماده «ایزاع» به معنای «الهام»، بازداشتن از انحراف، ایجاد عشق و علاقه و توفیق است؛ اما بیشتر مفسران معنای اول را برگزیده‌اند، یعنی خدایا توفیق بده که چند کار انجام دهم.

۲. ۱. ۲. آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار

هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام کرد. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند.

این قسمت از بیانیه ناظر بر آیات ذیل است که با توجه به اهمیت آن، بارها در قرآن کریم به آن اشاره شده است، آنجایی که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَأَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ * يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾؛ این وعده‌ای است که خدا کرده؛ و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! * آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند! (روم: ۶-۷)

و یا می‌فرماید:

﴿وَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ * الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ... أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾؛ وای بر کافران از مجازات شدید (الهی)! * همان‌ها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند؛ و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند؛ و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند؛ آن‌ها در گمراهی دوری هستند! (ابراهیم: ۲-۳).

در بسیاری از آثار اسلامی تصریح شده؛ بلکه از مسلمات و ضروریات اسلام است که جمع میان دنیا و آخرت از نظر برخوردار شدن ممکن است و برخوردارگی از دنیا، مستلزم محرومیت از آخرت نیست؛ چنان‌که قرآن از کسانی مانند حضرت سلیمان علیه السلام و برخی از ملوک بنی‌اسرائیل یاد می‌کند که در دنیا بهره‌های فراوانی داشته، در آخرت هم سعادت‌مند هستند و نیز به ستایش از مؤمنانی می‌پردازد که در دعای خود، نیکی دنیا و آخرت را می‌طلبند: ﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾ «پروردگارا! به ما در دنیا «نیکی» عطا کن! و در آخرت نیز «نیکی» مرحمت فرما!» (بقره: ۲۰۱). درباره حضرت ابراهیم علیه السلام نیز می‌فرماید: ما به او در دنیا «حسنه» دادیم و او در آخرت هم از شایستگان خواهد بود: ﴿وَأَتَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ «ما در دنیا به او (همت) نیکویی دادیم؛ و در آخرت از نیکان است!» (النحل: ۱۲۲).

خداوند، مهاجران را از نعمت دنیا و آخرت بهره‌مند می‌سازد: ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ...﴾ «آن‌ها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می‌دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگ‌تر

است؛ اگر می‌دانستند!» (النحل: ۱۴۱) و نیز به قارون سفارش شده که دنیا را به فراموشی نسپارد: «و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».

۲. ۱. ۳. برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد؛ اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها.

یکی از مهم‌ترین نکات کلیدی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده انقلاب اسلامی است که بین آرمان‌های انقلاب اسلامی و انقلاب پیامبر اسلام ﷺ مشترک است. این شعارها بارها در قرآن کریم به صورت‌های مختلف بر قلب مبارک پیامبر نازل شده است که در اینجا نمونه‌های از آن را ذکر می‌کنیم:

در ارتباط با آزادی می‌توان به آیه مبارک اشاره کرد:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر بازمی‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و باری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند، آنان رستگاران‌اند (اعراف: ۱۵۷).

اخلاق، یکی دیگر از شعارهای انقلاب اسلامی است که نقش سازنده‌ای در پختگی و نشاط آن داشته است و این امر نیز در قرآن کریم مورد تأکید است، آنجایی که در سوره مبارکه قلم می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛ «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری» (قلم: ۴). خود آن حضرت، بنا بر حدیث متواتر و معروف، فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ بعثت با این هدف در عالم پدید آمد» (مجلسی: ج ۶۸: ۳۸۲) که مکرمت‌های اخلاقی و فضیلت‌های روحی بشر عمومیت پیدا کند و به کمال برسد.

تا کسی خود دارای برترین مکارم اخلاق نباشد، خداوند متعال این مأموریت عظیم و خطیر را به او نخواهد داد؛ لذا در اوایل بعثت، خداوند متعال خطاب به پیغمبر می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم: ۴) ساخته‌وپرداخته شدن پیغمبر، تا ظرفی بشود که خدای متعال آن ظرف را مناسب وحی خود بداند، مربوط به قبل از بعثت است.

﴿فَبِمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد (آل عمران: ۱۵۹).

همان‌طور که مشاهده کردیم، یکی از رمزهای موفقیت انقلاب پیامبر اخلاق نیکو بوده و این امر نیز در انقلاب اسلامی کاملاً واضح و آشکار است؛ لذا اخلاق نیکو، لازمه مشترک انقلاب اسلامی و انقلاب پیامبر اسلام است.

عدالت، به‌عنوان عامل اصلی استقرار و امنیت در انقلاب اسلامی ایران و بهره‌مندی افراد جامعه از حقوق‌خویش همواره مورد توجه بوده است؛ کما این‌که عدالت در زمان پیامبر نیز موجب جذب و پیشرفت اسلام بوده است. قرآن کریم در آیات مختلفی به این موضوع و اهمیت آن در جامعه تأکید کرده است؛ در اینجا نمونه‌های را ذکر می‌کنیم:

﴿قَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی

حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند، بی‌آن‌که او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است! (الحديد: ۲۵).

این «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» نشان می‌دهد که حضور انبیا برای «قیام به قسط» لازم است، یعنی بین حرکت انبیا و قیام به قسط در جامعه رابطه وجود دارد؛ حالا این «لام» در «لَيَقُومَنَّ» چه «لام» علیت باشد، چه «لام» عاقبت و نتیجه، فرقی نمی‌کند؛ یعنی نبی در جامعه باید اقامه قسط کند و چون اقامه قسط می‌خواهد بکند، مبارزه می‌کند؛ در غیر این صورت اگر نبی نمی‌خواست اقامه قسط بکند، توحید را نمی‌خواست عملی بکند، انداد الله را نمی‌خواست به کنار بزند، جهاد لازم نبود. این «وَكَايِنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» برای چیست؟ چرا مجاهدت کردند؟ همه انبیا مجاهدت کردند، حالا بعضی‌ها توانستند، دستشان رسید، مقاتله کردند: «قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ»، [بعضی هم نتوانستند.] ما خب خبر انبیا را نداریم؛ اما در بعضی از روایات اشاره‌ای هست: «أَوَّلُ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمُ»؛ حالا ما در حالات حضرت ابراهیم [در قرآن] این را نداریم؛ اما در روایت این را داریم؛ و بقیه انبیا [هم] مقاتله کردند، مجاهده کردند فی سبیل الله. در اسلام [هم که داریم] «قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (التوبة: ۱۲۳)، یا «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (النساء: ۷۶)، این قتال و جهاد برای چیست؟

استقلال و عزت در طول تاریخ، حکومت‌ها را از تحمیل زورگویان رهانیده و موجب استقلال و خودکفایی شده است. استقلال و عزت واقعی از عطیه‌های الهی به حکومت‌های اسلامی است که قرآن کریم راه‌های رسیدن به آن را ذکر کرده و مسلمانان را از وابستگی بر حذر می‌دارد. آنجایی که می‌فرماید:

﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾؛ به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! * همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با این‌که همه عزت‌ها از آن خداست؟! (النساء: ۱۳۸-۱۳۹).

قرآن برای تأمین عزت و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت، مؤمنان را مؤظف می‌کند تا از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران گشته و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند، دوری کنند.

بر اساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ «هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است» (النساء: ۱۴۱)، خداوند کمترین سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان تشریح نکرده و هرگونه پیمان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را که موجب سلطه کافران و وابستگی مسلمانان گردد، حرام و باطل شمرده است.

مسلمانان نباید بر ستمگران تکیه و اعتماد کنند: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...» «و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد» (هود: ۱۱۳). تکیه و اعتماد بر ستمگران در شکل وابستگی آشکار می‌گردد و وابستگی فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی نتیجه‌ای جز اسارت و استثمار و نابودی استقلال ندارد. در آیاتی از قرآن مسلمانان از دوستی با اهل کتاب و کافران که زمینه‌ساز سلطه و حاکمیت آنان و نفی استقلال مسلمانان است بر حذر داشته شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا...» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هرگونه شر و فسادی درباره شما، کوتاهی نمی‌کنند» (آل عمران: ۱۱۸) واژه «بطانه» به معنای لباس زیر و در اینجا کنایه از این است که کافران و بیگانگان نباید محرم اسرار مسلمانان قرار گیرند؛ زیرا دوستی و اعتماد و وابستگی به بیگانگان موجب نابودی خرد مسلمانان می‌شود.

یکی دیگر از شعارهای فطری انقلاب اسلامی عقلانیت و تکیه بر آن است و آیاتی که در قرآن مجید درباره تحریک به تعقل و به فعلیت رسانیدن لبّ (خرد محض) و درک خردمندانه وارد شده، خیلی فراوان است. می‌توان گفت، هیچ‌یک از مکتب‌ها و جهان‌بینی‌های بشری، به درک‌های عقلانی و خردمندانه، این همه اهمیت نداده است، از آن جمله: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ قطعاً در داستان‌های [پیامبران گذشته با جوامعشان]، عبرتی است برای کسانی که دارای خرد هستند (یوسف: ۱۱۱).

و همچنین در آیه مبارکه:

﴿فِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يَسْتَوِي بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَتُنْفَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾؛ و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوت‌اند؛ و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب‌تر آن‌که) همه آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آن‌ها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در این‌ها، نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند! (الرعد: ۴).

﴿أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند! (زمر: ۹).

مقصود آیات قرآن، آن عقلی است که با هماهنگی وجدان و فطرت و هدف‌گیری‌های معقول برای حیات معقول فعالیت نموده و راه را برای پیشرفت مادی و معنوی انسان‌ها هموار می‌کند (جعفری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۷۱).

۲. ۱. ۴. انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد؛ اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

همان‌طوری که در بالا ذکر شد، یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، دفاع همه‌جانبه و حفظ و توسعه جهانی ایدئولوژی انقلاب اسلامی است؛ چراکه انقلاب اسلامی زنده و دارای پویایی و در پی تصحیح خطاهای خویش است و با آغوش باز‌پذیری پیشنهادها و انتقادات سازنده در جهت

تحقق تمدن نوین اسلامی است. البته این پویایی که رهبر فرزانه بر آن تأکید دارد، در قرآن کریم نیز بارها به آن اشاره شده است. آنجایی که می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آن‌ها بگو: سلام بر شما پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می‌شود؛ چراکه) او آمرزنده مهربان است (انعام: ۵۴).

همچنین در سوره مبارکه نحل می‌فرماید:

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ با این‌همه پروردگار تو نسبت به کسانی که به نادانی مرتکب گناه شده، سپس توبه کرده و به صلاح آمده‌اند، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان است (النحل: ۱۱۹).

۲. ۱. ۵. دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آن چه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم؛ اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دو‌یست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

علم و پژوهش، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید داشته و اولین توصیه ایشان به ما خطاب فرمودند. با اشاره به اهمیت علم، آن را وسیله عزت و تسلط جهان اسلام بر دنیا خواندند، کما این که این موضوع در قرآن بارها و بارها به صورت‌های مختلف تأکید شده است؛ لذا رهبر فرزانه انقلاب با تأثیرپذیری از قرآن کریم آن را با سبکی همه‌فهم و در عین حال مستحکم بیان فرمودند. از جمله آیاتی که در این زمینه می‌توان بر آن اشاره کرد:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ «بگو آیا دانایان با نادانان مساوی‌اند؟ جز این نیست که تنها خردمندان یادآور می‌شوند» (الزمر: ۹). اهمیت علم در اسلام آن قدر زیاد است که طلب آن را بر هر مسلمانی واجب دانسته است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ جست‌وجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی فرض و واجب است» (کلینی: ج ۱: ۳۰). معنای حدیث این است: یکی از فرایض و واجبات اسلامی، در ردیف سایر واجب‌ها، تحصیل علم است. در کتاب‌های روایی، همیشه یک باب ویژه، تحت عنوان «باب وجوب طلب العلم» و یا عنوانی نظیر این عنوان وجود دارد، می‌فرماید جست‌وجو و طلب علم بر هر مسلمان واجب است، هیچ استثنایی ندارد، حتی از لحاظ زن و مرد هم استثنایی ندارد. این حدیث می‌فرماید، فریضه علم یک فریضه عمومی است، اختصاص به طبقه‌ای یا صنفی یا جنسی ندارد.

۲.۱.۶. معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید.

دومین توصیه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مربوط به اهمیت و عنایت ویژه به اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی است. ایشان با ارتباط دقیق بین فضای موجود در عالم و با تکیه بر آیات قرآن

کریم این موضوع را به‌خوبی تبیین کردند. در اینجا نمونه‌های از آیات قرآن کریم که سخنان مقام معظم رهبری بسامدی از آن‌هاست ذکر می‌گردد:

خداوند متعال در آیه شریفه ذیل با دعوت بندگان به «دین فطری»، به حقیقت وجودی انسان که سرشته با توحید و متمایل به صفات و اسمای الهی است، تصریح دارد:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ

الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ به دین حنیف و فطری توجه نما، به آن فطرتی که

خداوند تمام بشر را بر آن مبنا و اساس آفریده است، فطرتی که در خلقت انسان همواره

ثابت است و هرگز تغییر نمی‌کند. این است دین استوار و تزلزل‌ناپذیر الهی (روم: ۳۰).

«خداگونگی»، بسیار ارزشمند و شریف است و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان با نگرشی سطحی به آن نگریست و حقیقت آن را یافت که اگر تفکر و تعمق در آن نشود، شناخته نمی‌گردد و در این صورت، در حد و مرتبه یک «تصور» باقی می‌ماند و هر بار که از آن یاد شود، زبانی و لسانی است و نه رفتاری و عملی. به دلیل جایگاه و اهمیت خداگونگی و نقش زیربنایی آن در اخلاق و معنویت است که از همان ابتدا باید با یک «انتخاب» مبتنی بر «اراده» و در اوج «آگاهی» و «آزادی» به آن توجه کرد.

در خداگونگی اول، انسان به شناخت و بصیرت می‌رسد و در خداگونگی دوم، تمام صفات اخلاقی و خصال معنوی را در رفتار و عملکردهایش بارور می‌کند. به تعبیری دیگر، انسان در خداگونگی اول صفات و اسماء الهی را می‌شناسد و در خداگونگی دوم آن‌ها را در اخلاق و رفتار و عملکردهای فردی و اجتماعی و سیاسی خود متجلی می‌کند. آیه شریفه ذیل، مرحله دوم خداگونگی را به زیبایی تمام می‌نماید: ﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا؛ من روی خود را به‌سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم (الأنعام: ۷۹).

این آیه در یک بیان کلی، تحقق عملی خداگونگی را نشان می‌دهد و گرایش عملی انسان به خداوند متعال برای متجلی کردن صفات و اسماء او را در خود نمایان می‌سازد. آیه ذیل، به برخی از جلوه‌های عملی این خداگونگی اشاره می‌کند: ﴿قُلْ إِن صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ؛ «همانا نماز، عبادت، زیستنم و مردنم را برای قرب به خداوند و تسلیم در برابر او انجام می‌دهم» (الأُنْعَام: ۱۶۲).

همچنان که این آیات به‌روشنی و صراحت نشان می‌دهد، خداگونگی انسان در امور معنوی و اخلاقی آغاز می‌شود و اوج می‌گیرد و از اینجا به سایر رفتار و عملکردهای آدمی تسری می‌یابد. در واقع، اخلاق و معنویت در قله رفیع و بلند دین قرار دارد و سایر تعالیم در دامنه‌های این قله جای می‌گیرند. با این توصیف، اخلاق و معنویت، آب خالص و زلالی است که از قله دین جاری می‌شود و بر تعالیم مختلف دیگر دین در دامنه‌ها تأثیر می‌نهد و آن‌ها را جان می‌دهد و طراوت می‌بخشد. طبیعی است که وقتی اخلاق و معنویت، زلال گشت، با توجه به تأثیری که هر رفتار و عمل اخلاقی سالم و خالص در سایر اعمال دینی دارد، می‌توان تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی عمومی مردم جامعه و نیز همه تلاش‌ها در جریان‌ها و جناح‌ها و همچنین تمام برنامه‌ریزی و ساماندهی و تدبیرها در سطح مدیریت کلان سیاسی را تأثیرپذیر از این اخلاق و معنویت زلال اسلامی دانست و از همین جاست که مواجهاات سالم می‌شوند و تعاملات خالص می‌گردند و وحدت جایگزین تفرقه می‌شود و حریم افراد و شخصیت انسانی و اسلامی آنان محترم شمرده می‌شود و رذایل اخلاقی رخت برمی‌بندند و فضایل اخلاقی رخت می‌افکنند.

۲. ۱. ۷. اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست؛ اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است. انقلاب اسلامی، راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد.

یکی دیگر از موضوعات مهمی که همواره مورد توجه رهبر فرزانه بوده و بر آن تأکید دارند، اقتصاد است؛ چراکه ایشان معتقدند اقتصاد، نقطه کلیدی جهت رسیدن به اهداف اسلامی است.

رهبر فرزانه با تأثیرپذیری از قرآن کریم رهنمودهای ارزنده خویش را جهت رونق و خودکفایی در اختیار جامعه قرار داده‌اند. در اینجا نمونه‌های از آیات قرآن کریم ذکر می‌نماییم:

قرآن کریم، ثروت را عامل پایایی و قیام فرد و جامعه می‌داند:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾؛ «اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی

شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید...» (النساء: ۵). در واقع، از آن روی که مال سبب قیام و استقلال است، آن را بنا بر اطلاق مسبب بر سبب برای مبالغه به قیام نامیده است (ر.ک؛ حقی بروسوی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۰۲).

در بیشتر این آیات، هدف از تسخیر آسمان و زمین، خلقت شب و روز، فرستادن باد و باران و حرکت کشتی‌ها در دریاها، جستجو و طلب روزی معرفی شده است (ر.ک؛ عباس‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۳۸-۴۳۷). برای نمونه می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَلَّنَاهُ تَفْصِيلًا﴾؛ ما شب و روز را دو

نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم. سپس نشانه شب را محو کردیم و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا (در پرتو آن) فضل پروردگارتان را بجوئید (و به تلاش زندگی برخیزید) و عدد سال‌ها و حساب را بدانید و هر چیزی را مشخص و آشکارا بیان کردیم (إسراء: ۱۲).

«فضل» که جمع آن «فضول» است (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۲۱: ذیل «فضل»)، به معنای بیش از حد اعتدال است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل «فضل»). مقصود از فضل و زیادت در این آیه، مال است و آنچه به دست می‌آید و کسب می‌شود (همان). «إِتِّعَاءَ فَضْلِ اللَّهِ» در قرآن معمولاً به معنی رزق و کسب‌وکار مفید و ارزنده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۶). خداوند بزرگ در این آیه می‌فرماید: «اگر ما آیت روز را روشن قرار دادیم، برای این است که انسان بتواند در آن، به موقع، رزق پروردگار خود را طلب کند، چون «رزق» فضل و عطای خدای تعالی است» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۵۱).

۲. ۱. ۸. عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله و برانگیز و ضربه زنده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری

اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست.

عدالت و مبارزه با فساد از نکات کلید و سرنوشت‌ساز در جامعه اسلامی و اهداف اصلی آن بوده و هست؛ کما این‌که یکی از اهداف انقلاب پیامبر بزرگ اسلام استقرار عدالت است. در قرآن کریم نیز بارها این موضوع تأکید شده است؛ لذا رهبر فرزانه با تأثیرپذیری از قرآن کریم با زبانی ساده و درعین‌حال متناسب فضای جامعه این امر مهم را توصیه فرمودند:

بر پایه تحلیل و تبیین قرآن از نقش و اهمیت اقتصاد سالم در سرنوشت ابدی بشر این معنا به دست می‌آید که سعادت ابدی انسان یعنی متأله و ربانی شدن و رسیدن به کمک و آسایش و آرامش مطلق تنها در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است؛ چنان‌که خداوند متعال در آیات ۸۴ تا ۸۵ سوره هود به این مسئله اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۸۴ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾؛ و به سوی «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمان‌ه و وزن را کم نکنید (و دست به کم‌فروشی نزنید!) من (هم اکنون) شما را در نعمت می‌بینم؛ (ولی) از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم! * و ای قوم من! پیمان‌ه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نگاهید! و در زمین به فساد نکوشید!.

فسادگری از نظر قرآن به‌عنوان یک امر ناشایست و ناپسند و نیز گناه شرعی معرفی شده است (عنکبوت: آیات ۳۶ و ۴۰) و چون طبیعت و خصلت بشر به فساد نیز گرایش دارد و زمینه‌های آن در دنیا فراهم است، اصلاحات دائمی به‌عنوان یک وظیفه الهی و مسئولیت دینی مطرح شده است؛ بنابراین، بر همگان است تا به‌عنوان یک وظیفه و مسئولیت دینی و الهی، به مبارزه با فساد برخاسته و اصلاحات را مدنظر قرار دهند.

عدالت و مبارزه با فساد می‌بایست همه‌جانبه و فراگیر باشد؛ بنابراین، اصلاح نفسانی به شک خودسازی و تزکیه نفس، اصلاح جامعه (اعراف: آیات ۷۳ و ۷۴) و اصلاح زمین (هود: آیه ۱۱۶) از وظایف و مسئولیت‌های عقلانی و الهی بشر است که می‌بایست همواره مورد توجه و اهتمام باشد. خداوند در آیاتی از جمله ۱۲ و ۱۴ سوره نمل، مبارزه با هرگونه فساد را از اهداف رسالت پیامبران از جمله پیامبران اولوالعزم دانسته است که به پیروی از ایشان می‌بایست به رسالت همه مؤمنان و ربانیون تبدیل شود. همین معنا با صراحت بیشتری در آیه ۳۲ سوره مائده بیان شده است. افزون بر این، بخش بزرگی از آیات قرآن به گزارش از مبارزه پیامبران و مؤمنان علیه فساد و مفسدان اختصاص یافته است؛ چراکه برای دستیابی به فضا و بستر مناسب خلافت الهی انسان، لازم است تا مبارزه با فساد و اصلاحات دائمی در دستور کار قرار گیرد.

۲. ۱. ۹. استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است؛ و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو، از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو، عطیه الهی به انسان‌ها و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله خود از جمله آن‌هاست.

با توجه به اهمیت استقلال و آزادی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه، بارها این موضوع را بیان می‌نماید. همچنین در این زمینه، در قسمت توصیه‌ها نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داده‌اند. بالاترین هدف انقلاب پیامبر بزرگ اسلام، همان آزادی و استقلال افراد جامعه از جهل و سیطره حاکمان ظالم بود و این امر مهم، در قرآن کریم مورد توجه ویژه است. آنجایی که می‌فرماید: بر اساس آیه قرآن «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ «هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است» (نساء: ۱۴۱). خداوند کمترین سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان تشریح نکرده و هرگونه پیمان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را که موجب سلطه کافران و وابستگی مسلمانان گردد، حرام و باطل شمرده است. سبیل در لغت به معنای «راه» و در این آیه به معنای نصر، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه اعتباری و سلطه خارجی دانسته شده است. آیه نفی سبیل، بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است: جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه جامعه اسلامی و حاکمان آن در حفظ استقلال و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است و جنبه سلبی آن ناظر

به نفی سلطه بیگانگان بر سرنوشت سیاسی اجتماعی مسلمانان است. بر اساس مفاد حرف نفی «لن» که به معنای نفی ابد است، کافران هیچ‌گاه در هیچ زمینه‌ای شرعاً نمی‌توانند بر مسلمانان مسلط شوند و نفی سبیل بر همه روابط خارجی در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکمیت دارد و همه روابط باید بر این پایه استوار باشد و با آن ارزیابی گردد.

به گزارش قرآن، اصحاب خاص پیامبر ﷺ در انجیل، به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌های آن به تدریج نیرومند شده و بر پای خود ایستاده است، به گونه‌ای که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد: ﴿وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْهًا فَازْرَهُ فَاسْتَعْلَفَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يَعْجِبُ الْزُرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ (فتح: ۴۸). این تمثیل، به‌ویژه با توجه به تعبیر «فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ» اشاره‌ای گویا به استقلال جامعه اسلامی دارد. با توجه به اسلامی بودن انقلاب ایران، استقلال، یکی از پایه‌های اصلی آن است.

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾؛ در دین هیچ اجباری نیست. هدایت از گمراهی مشخص شده است، پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به رشته استواری چنگ زده (بقره: ۲۵۶).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه مبارکه می‌آورد:

جمله «لا إكراه فی الدین» دین اجباری را نفی می‌کند؛ زیرا دین - به‌عنوان مجموعه‌ای از معارف علمی که پاره‌ای از مسائل عملی را در پی دارد - اعتقاد است و اعتقاد و ایمان از امور قلبی و درونی است که در حوزه اجبار و اکراه قرار نمی‌گیرد؛ زیرا اجبار و اکراه در رفتار و افعال ظاهری و جسمی کاربرد دارد و نه در امور قلبی و درونی که اسباب و علل مخصوص به خویش را دارد.

سپس می‌افزاید:

این آیه برخلاف پندار گروهی از پژوهندگان و ناآگاهان که با استدلال به آیات جهاد - که یکی از ارکان اسلام است - می‌گویند اسلام دین شمشیر است، از جمله آیاتی است که دلالت می‌کند دیانت اسلامی بر اساس و پایه خون و شمشیر پا نگرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۴۳).

سید قطب نیز در تفسیر این آیه می‌گوید:

آزادی اعتقاد، نخستین حق انسانی است که برای بشر از آن رو که انسان است، ثابت است. بدین سبب، هر کس که آزادی عقیده را از انسان بگیرد، پیشاپیش انسانیت او را می‌ریابد. اگر گزینش و انتخاب عقیده آزاد بود، آزادی تبلیغ و دعوت با فکر و اندیشه‌ای و در امان بودن از فتنه و آزار نیز مسلم خواهد بود؛ زیرا اگر آزادی تبلیغ و دعوت به اندیشه فراهم نباشد، در واقعیت بیرونی و خارجی، جز نامی از آزادی اندیشه و عقیده وجود نخواهد داشت (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۲۶).

۲. ۱. ۱۰. گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگران‌اند؛ پیشنهادهاى آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیرقابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا، حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زبان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

مقام معظم رهبری در بیانیه، ضمن توجه به روابط خارجی و حفظ عزت ملی با تکیه بر قرآن کریم بر شناخت دشمنان و راه‌های مقابله با آنان تأکید نموده و رهنمودهای خویش را بیان فرمودند. در اینجا نمونه‌های از آیات قرآن کریم که کلام رهبر بازتابی از آن‌هاست ذکر می‌گردد:

﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (نساء: ۱۳۸-۱۳۹) قرآن در این آیه مسلمانان را به عزت واقعی که در سایه جمع ایمانی و در سایه الله حاصل می‌شود دعوت کرده و از عزت ظاهری که در سایه تکیه بر کفار حاصل می‌شود نهی می‌کند.

در دین اسلام ارتباط با مشرکان و کفار در جهت رفع نیازهای اضطراری مانعی ندارد؛ اما دوستی و تکیه کردن به آنان و نیز گره زدن سرنوشت جامعه دینی در قالب مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی برای جوامع دینی ممنوع است. به عبارت دیگر، سطح روابط نباید در حد ائتلافها و اتحاد با آنان

باشد؛ زیرا این عمل باعث می‌شود تا آنان بر مؤمنان مسلط شده و بر اعتقادات آنان و فرزندانشان تأثیر منفی بگذارند. با عدم ارتباط، طبعاً دشمنان نیز چنین تسلطی را از دست خواهند داد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که آئین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند، از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید (مائده: ۵۷).

دشمن‌شناسی، شناخت راه‌های مقابله با دشمن و ممنوعیت دوستی با دشمن که در آیات بسیاری هم به این موضوع اشاره شده، احتیاط در برخورد با دشمن (بقره: ۱۲۰ و آل عمران: ۶۹)، عدم دوستی با دشمن (نساء: ۸۹، ۱۴۴؛ مائده: ۸۲؛ ممتحنه: ۱، ۴)، ایمن ندانستن خود از وسوسه دشمن (نساء: ۴۴، ۴۵)، نگفتن راز به دشمن (آل عمران: ۱۱۸، ۱۲۰؛ منافقون: ۱۴)، سازش‌ناپذیری در برابر دشمن (آل عمران: ۱۴۶؛ هود: ۱۱۳)، پرهیز از دوستی با یهود و نصاری (مائده: ۵۱، ۵۲).

نتایج

از نکته‌های قابل تأمل در مضامین قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب، جهت‌گیری خاصی است که این آیات را در مسیر تزکیه، تربیت، عدالت، استقلال، عزت، اخلاق و اقتصاد، جوانان و ... به کار گرفته شده و خالی از هرگونه تکلف بوده؛ بلکه به زبان ساده و درعین حال ادبی بیان کرده است. از دیگر ویژگی‌های بارز مضامین کلامی رهبر فرزانه، پیوستگی و انسجام موضوعات است که در نهایت منجر به تمدن نوین اسلامی می‌گردد.

غالب وام‌گیری مقام معظم رهبری از نوع سوم یعنی حوار است. این وام‌گیری آگاهانه و به‌صورت مستقیم است؛ بنابراین، رهبر فرزانه در بستر آموزه‌های اسلامی، غالب کلام خویش را بر اساس تعالیم ارزشمند قرآن بیان کرده است. روابط بینامتنی قرآن با بیانیه گام دوم انقلاب، به‌گونه‌ای زیبا و مبتکرانه رخ داده است که وام‌گیری‌های هنرمندانه از قرآن، از ویژگی‌های برجسته سبک بیانی رهبر به شمار می‌رود. بهره‌گیری مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، ایشان را در رسیدن به هدف مورد نظرش یاری کرده است. نگاهی کلی به بیانیه گام دوم، نشان می‌دهد که ایشان به‌خوبی بُن‌مایه‌های فرهنگ مردمی و دردهای روحی و اخلاقی و نقاط مثبت و ضعف جامعه را به‌خوبی کشف و با

تأثیرپذیری از مضامین خاص قرآنی، از یک سو به بیانیه گام دوم صبغه‌ای قرآنی بخشیده و از دیگر سو، با طرح راهبردهای همه‌جانبه، به بیانیه، رویکردی مردم‌گرایانه عطا کرده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آلن، گراهام (۱۳۸۰ هـ.ش)، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق)، تهذیب اللغه، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بنیس، محمد (۱۹۷۹ م)، ظاهرة الشعر العربي المعاصر فی المغرب، بیروت: دارالعودة.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۱)، مختصر المعانی، قم: دارالفکر.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۸۴)، قرآن، نماد حیات معقول، ۱ جلد، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ ۳.
- حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی (۱۴۲۱ ق)، تفسیر روح البیان، تصحیح احمد عزّ و عنایه، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۶)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دار القلم.
- زعبی، أحد (۱۹۸۹)، التناسل نظریاً و تطبیقیاً، عمان، اردن: مؤسسه عمریه، ط ۲.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۴)، قرآن و اقتصاد، مشهد: مؤسسه انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآن، حوزه و دانشگاه.
- عزام، محمد (۲۰۰۵ م)، شعریه الخطاب السردی، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب، ط: ۱.
- علی نجفی ایوکی و فاطمه یگانه (۱۳۹۰)، أشكال التناسل الدینی فی شعر خلیل حاوی، مجلهٔ دراسات فی اللغة العربیة و آدابها، فصیلة محکمه، العدد السادس، صیف ۱۳۹۰، صص ۱۴۰-۱۷۰.
- قطب، سید (۱۳۸۶-۱۳۶۷ م)، فی ظلال القرآن، چاپ پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- کیانی، سمیه (۱۳۹۳)، بررسی ساختاری و مفهومی قرآن کریم در اشعار فیض کاشانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، راهنما: جهانگیر امیری.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- میرزایی، فرامرز؛ واحدی، ماشاءالله (۱۳۸۸هـ.ش)، روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۵ (پیاپی ۲۲).
- وعداالله، لیدیا (۲۰۰۵ م)، التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره، دار المنلاوی، ط: ۱.